

دریچه

افغانستان خسته از جنگ

مژگان دانیالی

■ در حومه پایتخت افغانستان دو زوج تازه ازدواج کرده «حلیمه» و «شتاق چنگیزی» در یک آپارتمان زندگی می کنند. آنها چهار ماه پیش تلاش کردند تا مراسم سستی ازدواج خود را برگزار کنند اما هنوز این اتفاق نیفتاده و آنها هنوز مراسم ازدواج خود را برگزار نکرده‌اند. حلیمه که ۲۷ سال دارد معتقد است: «این دوره جدیدی از زندگی ماست و از آن نیز هیجان زده هستیم.» حلیمه در دو رشته اقتصاد و حسابداری مدرک فوق لیسانس دارد. او می گوید: «در افغانستان آینده‌ای برای ما وجود ندارد.» حلیمه برای گروهی از مشاغل مربوط به رشته‌اش در افغانستان اقدام کرده است اما تا به حال حتی نتوانسته یک مصاحبه برود همسر او هم حالا ۳۰ ساله است و برای خله تولید، کار طراحی چند رسانه‌ای را انجام می دهد و حقوق او برای زندگی شان مکتفی است. آنها هر دو عضو یکی از اقوام افغانستان به نام «هزاره» هستند و به زبان قومی صحبت می کنند؛ زبان قومی افغانستان که سال‌هاست تحریف می شود.

این زوج معتقدند دلیل اینکه بسیاری از افغانی ها از سرزمین مادری شان به کشورهای خارجی می‌روند، شرایط موجود در کشور است. حلیمه می گوید: «در کشور هنوز نیروهای «ناټو» هستند و کمک‌های کشورهای خارجی کم‌کم از افغانستان وارد می‌شوند، با وجود این شرایط ما فکر نمی‌کنیم آینده‌ای برای افغانستان وجود داشته باشد. اگر نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ هیچ آینده‌ای برای ما در افغانستان وجود ندارد.» این داستان نه تنها در میان قوم «هزاره»، بلکه برای همه مردم افغانستان داستان آشنایی است. به‌طور کلی بسیاری از مردم افغانستان از اینکه نیروهای انتفاعی معتقدند که ترک کنند وحشت دارند. آنها نمی‌دانند در طول دو سال آینده که این نیروها کشور را ترک می‌کنند، چه اتفاقی خواهد افتاد. اگرچه با وجود نیروهای «آی‌اس‌ای‌اف» (نیروهای بین‌المللی امنیتی) که شامل نیروهای آمریکایی و نیروهای ناټو هستند، در منطقه استراتژیک کشور خشونت کاهش یافته است، با این حال تحلیلگران معتقدند که «طالبان» بیش از این نمی‌توانند در استان «هلمند» در جنوب کشور و در مرز شرقی پاکستان باشند.

بیشتر مردم افغانستان از بروز این طغیان‌ها می‌ترسند. «حاجی علی محمد» نیز یکی از آنهاست. او دو پسر و بچه برادرش را برای فرار از جنگ و دسترسی به شرایط بهتر به استرالیا فرستاده است. حاجی علی می گوید: «کار و زندگی بهتر هدف از مهاجرت به استرالیا بود. آنها می‌خواهند دور از جنگ زندگی بهتری داشته باشند. زندگی همراه با صلح.» او می گوید: «زندگی ما در اینجا بر خطر است و احساس امنیت نمی‌کنیم.» اکبر پسر ۱۹ ساله او و برادر ۱۱ ساله‌اش جاوید به همراه هاشم، پسر عموی ۲۰ ساله‌شان در سفر ۱۱ هزار کیلومتری شان با هم بودند. قاچاقچیان انسان آنها را یک پرواز به دویی رساندند و پس از آن به تایلند رفتند، چراکه تایلند به آنها روایت داده بود. پس از آن از تایلند با یک پرواز به ملازی رفته و با قایق به اندونزی رفتند. آنها در نهایت با یک کشتی ماهیگیری چوبی کوچک به جزیره «کریسمس» در استرالیا رسیدند. محمد می گوید: «خرین باری که من با آنها صحبت کردم، به من گفتند زندگی چندان مساعدی ندارند. آنها گفتند دفعه بعدی که با شما تماس بگیریم در خانه جدیدمان در استرالیا هستیم و شرایط بهتر خواهد شد.» او می گوید: آنها چند روز بعد تماس گرفتند. یکی دیگر از مسافران کشتی ماهیگیری نیز روی خط بود و گفت چند ساعت بعد از اینکه کشتی به حرکت درآمده، غرق شده است. از ۱۸ نفری که در مرز سوار بر کشتی شده‌اند تنها ۱۰ نفر آنها زنده مانده‌اند که در میان مردگان پسران و پسر برادر محمد نیز به چشم می‌خورند. محمد ادامه می دهد، مردمی که زنده مانده‌اند روی تکه‌های شکسته کشتی بودند و نیروهای نجات آنها را نجات داده‌اند. پسران من شنا کردن را بلد بودند اما نه در آب بسیار زیاد و برای مدتی طولانی.

در سال‌هزاران نفر از پناهجویان افغان در سفری طولانی و بی‌رحمانه به استرالیا مهاجرت می‌کنند. آنها مبالغی بیشتر از ۲۰ هزار دلار به قاچاقچیان پرداخت می‌کنند. این در حالی است که ضمانت سفری امن برایشان وجود ندارد. قاچاقچیان به آنها تنها وعده آینده‌ای روشن می‌دهند. شتاق و حلیمه چنگیزی به دلایلی تلاش می‌کنند تا از طریق روش‌های قانونی بتوانند کاری انجام دهند. «یشاق» برادر ۲۸ ساله حلیمه، در ابتدای سال از افغانستان بیرون رفت. او نمی‌توانست بیش از این انتظار بکشد. حلیمه می گوید: «در سه ماه گذشته که از افغانستان رفته‌ام هیچ خبری از او نداشته‌ام.» منبع: CNN

■ پس از حمله دولت چین به منطقه سین‌کیانگ در سال ۲۰۰۹، دولت ترکیه بیشترین واکنش را از خود نشان داد.

نخست‌وزیر ترکیه نیز اعلام کرده است که اتفاقات و تحركات در ایغور را به شدت پیگیری و رصد می‌کند. علت این حساسیت ترک‌ها به بخش مسلمان‌نشین چین چیست؟ دلیل حساسیت ترک‌ها و چینی‌ها به مساله ایغور این است که این مسلمانان جزو نژاد ترک محسوب می‌شوند. ایغور هستند. ایغورها شاخه‌ای از نژاد ترک‌ها هستند که به قرقیزستان و قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و در نهایت ترکیه پیوند می‌خورند. از دید ترکیه، آسیای میانه و سین‌کیانگ عمق استراتژیک دولت عثمانی تعریف می‌شود و به دلیل آن نگاه قدیمی دولت عثمانی، دولت ترک حمله مدرن جدید بلکه جزو سرزمین‌هایی می‌داند که بعدها به سین‌کیانگ جست‌وجو می‌کند و چینی‌ها نگران این مساله هستند. چینی‌ها نگران تحركات ایران در منطقه سین‌کیانگ نیستند. آنها بیشتر نگران تحركات ترکیه و اعراب اهل سنت در منطقه سین‌کیانگ هستند. چینی‌ها خود نیز ایغورهای منطقه سین‌کیانگ را جزو مناطق تاریخی و گذشته‌های دور چین نمی‌دانند بلکه جزو سرزمین‌هایی می‌دانند که بعدها به چین اضافه شده است. وقتی می‌گوییم منطقه «سین‌کیانگ» در اصل به زبان چینی منطقه «شین‌جیانگ» است؛ به معنای سرزمین‌های جدید. منظور این است که این منطقه به چین تعلق نداشته و بعدها به چین اضافه شده است. اما امروز این منطقه جزو چین است. منطقه سین‌کیانگ منطقه‌ای اضافه شده به چین است. اما گاهی به آن منطقه، منطقه خودمختار می‌گویند. البته خودمختاری در حد نکاتی که به آن اشاره شد وجود دارد. در ضمن چینی‌ها به شدت تلاش دارند مناطق «سین‌کیانگ» و تبت و اقوام مختلف را با هم محسوط کنند و این آمیختگی نژادی و قومی را به عنوان یک استراتژی دنبال می‌کنند در مرکز استان سین‌کیانگ، بیش از ۴۰ درصد مردم، چینی‌های مهاجر هستند که از نژاد «خان یاهان» به ارموجی آورده شده‌اند. آنها در کنار نژاد «هو» که مسلمانان را تشکیل می‌دهند قرار گرفته‌اند. هر چند در شهرستان‌ها هنوز نسبت جمعیت به نفع مسلمانان و اویغورهاست. بنابراین چینی‌ها در کل نسبت به فعالیت مذاهب و اقلیت‌ها حساسیت دارند اما آستانه تحمل آنها تا مرحله سیاسی و امنیتی شدن این فعالیت‌هاست، به محض اینکه تحركات به مرز مسایل امنیتی و سیاسی برسد و خواست‌های استقلال‌طلبی شکل بگیرد، به شدت سرکوب می‌شوند اما مراحل پیش از آن برای چینی‌ها قابل تحمل است.

■ وضعیت آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم در شهرهای بزرگ چگونه است؟ شرایط مطبوعات و رسانه‌ها و اینترنت را چگونه می‌بینید؟

در چین با استاندارددهایی که هم‌اکنون در ایران وجود دارد، مطبوعات آزاد نیستند. مطبوعات چینی حزبی و دولتی هستند و آزادی مطبوعات چین کنترل شده و مهندسی شده است. به‌ویژه در دو قشبر برای خارجی‌ها، روزنامه China Daily و برای جوانان روزنامه جوانان؛ این دو روزنامه نسبت به سایر مطبوعات رسانه‌های چین از آزادی عملیاتی کنترل شده بیشتری برخوردارند. اما سایر مطبوعات، کمالات تحت کنترل و دولتی هستند. نسبت به استانداردهای جهانی و غربی آزادی مطبوعات در چین کمالات مردود است! در چین رادیو و تلویزیون کاتال‌های بسیار متعددی دارد. چندهزار کاتال در چین وجود دارد و حتی محله‌های پکن و محله‌های شهرهای بزرگ برای خودشان شبکه‌های تلویزیونی مستقل دارند، اما همه اینها تلویزیون‌های دولتی و کنترل شده تحت‌نظارت هستند و بخش خصوصی، فعالیتی در این زمینه ندارد. ماهواره در چین ممنوع است. حتی برای خارجی‌ها نیز داشتن یک ماهواره ممنوع است. به طور کلی اساس امکان فنی استفاده از ماهواره در چین وجود ندارد. به دلیل کنترل امواج و امکانات ماهواره کسی در چین قادر به استفاده از ماهواره نیست. ممکن است گاهی به صورت کلیلی، ماهواره تحت نظر حکومت به شکل انتخاب شده برای سفارتخانه‌ها و برخی شرکت‌های منتخب خارجی وجود داشته باشد. این تسهیلات همچنین برای چینی‌هایی که از خارج به چین بازگشته‌اند هم وجود دارد. (چینی‌های ماورای بحر) تسهیلاتی وجود داشته باشد. اینترنت کمالات تحت کنترل است. فیلترینگ، سخت اعمال می‌شود و بر ماهواره، اینترنت و تلفن و به صورت کلی ارتباطات سانسور سختی اعمال می‌شود چینی‌ها از بعد سیاسی و امنیتی کمالات کمونیستی هستند، از نظر اجتماعی نیمه‌باز و نیمه‌کمونیستی و از بعد اقتصادی با ترز و مهندسی شده‌تر هستند. این واقعیت جامعه چین است.

■ رشد چین طی چند دهه گذشته در اقتصاد، مساله‌ای کتمان‌ناپذیر است. آیا به نظر شما طی سال‌های آتی، اقتصاد چین بر اقتصاد آمریکا غلبه خواهد کرد؟ آیا چین به سمت یک اقتصاد باز در حال حرکت است؟

چینی‌ها از نظر روحی- روانی ملتی هستند که قدم بر نمی‌دارند مگر اینکه اطمینان داشته باشند قدم بعدی‌شان را در یک مکان استوار قرار خواهند داد. این مردم ریسک‌پذیر نیستند و این مساله تا حدود زیادی دلایل نژادی دارد. آنها

صبور هستند و آرام حرکت می‌کنند و معتقدند در مقطع فعلی نباید با آمریکایی‌ها درگیر شوند. آنها معتقدند باید از امکانات و مواهب اقتصاد غربی و تکنولوژی روز دنیا برای رفاه و اقتصاد خود حداکثر استفاده را انجام دهند. چینی‌ها معتقدند با رشد اقتصادی و رسیدن به مرزهای توسعه قادر هستند خواست‌ها و اولویت‌هایشان را به دنیا دیکته کنند. مردم و سیاستمداران چینی، بر این باورند که باید با زبـان آرام و تعامل و شرکت بین‌المللی قدرت خودشان را افزایش دهند. استراتژی چین رقابت با آمریکا و غرب نیست بلکه شرکات اقتصادی، اولویت چین در معادلات اقتصادی با غرب و آمریکاست. اساس بازار چین کشورهای آسیایی نیستند، بلکه همچنان ژاپن، آمریکا و اروپا بازار مصرف چینی‌ها را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی چین نمی‌خواهد سرنوشت خود را از غرب و آمریکا جدا کند. اگر غرب در مسایل امنیتی چین مثل تایوان و خاک چین دخالت کند، چینی‌ها هرگز در موارد دیگر به غربی‌ها اهم نمی‌کنند. خط قرمز آنها حاکمیت سرزمینی و تضعیف ارتش چین است.

■ گاهی گفته می‌شود که چین و روسیه در همه موارد بین‌المللی اتفاق نظر دارند. نظر شما در این باره چیست؟ آنچه در قبال سوریه، بین چین و روسیه در شورای امنیت اتفاق افتاد، تنها یک آزمایش مرحله‌ای است که چین پس از روسیه انجام می‌دهد. با توجه به اینکه روس‌ها سوریه دارای منافع استراتژیک هستند، فعلا چینی‌ها برای گرفتن امتیاز از روس‌ها، در حمایت روسیه از سوریه با روسیه هم‌پیمان شده‌اند. اما به محض اینکه روس‌ها عقب‌نشینی کنند و سر این مساله با سایر کشورهای عضو شورای امنیت به توافـهـم برسند، بی‌شک چین‌ها کارت سوریه را افروا معامله‌هایی می‌کنند، چنانچه در رابطه با ایران، در تمام قطعنامه‌هایی که در سازمان ملل و شورای امنیت علیه ایران مصوب شده، چینی‌ها رای مثبت داده‌اند، نه وتو کرده‌اند و نه مقابله‌در خارج از این مدار، چینی‌ها از ایران گاهی حمایت کرده‌اند و همکاری‌هایی داشته‌اند، اما در هنگام تصمیم‌گیری و در سر میز منافع، کارت ایران کارتی است که می‌تواند به راحتی در مقابل منافع دیگر در اختیار حریف قرار بگیرد.

■ آیا همگونی روسیه و چین مقابل سوریه می‌تواند در مورد ایران هم اتفاق بیفتد؟

خیر، نمی‌توان چنین همگرایی‌ای در مورد ایران را بین چین و روسیه در نظر گرفت. در مورد ایران همگرایی‌ای بین روسیه و چین در مورد سوریه به وجود دارد نیست.

به دلیل اینکه اگر چینی‌ها نسبت به هسته‌ای شدن ایران نگرانی امنیتی نداشته باشند، که به نظر من حساسیتی نسبت به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ندارند، اما روس‌ها چون هم مرز ایران هستند و به ما نزدیک‌تر، نسبت به رشد و توسعه کشور ما و پیشرفت ایران و در تکنولوژی‌های برتر و سطح بالا، از جمله هسته‌ای شدن ایران حساسیت جدی دارند. این حساسیت‌ها ریشه‌های تاریخی و سرزمینی نیز دارد. البته تا یک جایی منحنی همسویی این دو کشور می‌تواند همراه باشد، اما از جایی به بعد منحنی همراهی آنها از یکدیگر جدا می‌شود. روسیه و چین شاید این همراهی و نسبت را به کره‌شمالی و سوریه داشته باشند. بی‌شک این وضعیت در قبال ایران وجود نخواهد داشت.

■ برخی کارشناسان معتقدند در غیاب شرکت‌های بین‌المللی، چینی‌ها درصدد نفوذ در صنایع پایه‌ای ایران از جمله صنعت نفت و گاز هستند. تعدد چینی‌ها به ایران با توجه به نیاز این کشور به منابع انرژی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چینی‌ها از ایران و چین به بعد از چینی‌ها استفاده خواهند کرد. مناسبات ایران و چین به شرط‌هایی به نفع هر دو کشور است. ■ منافع کدام یک بیشتر است؟

جهان



عکس: آندریاس هینر/شرق

ایران برای چین مشتری است نه شریک

هرکدام که قدرت بیشتری در این رابطه داشته باشند و از منافع بیشتری بهره‌مند می‌شوند. من مدافع نوع رابطه‌ای با چین هستم که تنها محصور به روابط اقتصادی نباشد. من به یک شرکت اقتصادی معتقدم که البته چینی‌ها تا به امروز در مقابل آن مقاومت کرده‌اند و به ما گاهی گفته می‌شود که فعالیت چینی‌ها در صنعت نفت و گاز ایران زیاد است، اما باید به این نکته توجه کرد که خرید نفت از ایران نمی‌تواند کمکی به ایران باشد. با توجه به اینکه ایران تنها و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین نیست عمده نفت چین از عربستان و عمان و امارات خریداری می‌شود. چینی‌ها برای تأمین نفت منابع متنکثری دارند، آنها حتی در سودان هم هم سرمایه‌گذاری کردند. در زمینه نفت در ایران چینی‌ها تنها کار اعتباری و پروژه‌ای کرده‌اند، اما سرمایه‌گذاری نکرده‌اند.

سرمایه‌گذاری یعنی FDI، و چینی‌ها هرگز در ایران در پروژه‌ها شرکت نکرده‌اند، این در حالی است که کشوری که ایران در وارد پروژه نه‌گاساساری در دنیا کرده بی‌شک ایران بود. ایران این ریسک را پذیرفته که چین در ایران نیروگاه بسازد. پس از آنکه چینی‌ها در یک محیط خارجی مثل ایران تمرین کردند، نتوانستند در دنیا نیروگاه بسازند. ایران اولین کشوری بود که متروسازی چین را از مرزهای این کشور خارج کرد و اولین کشوری بود که پذیرفت چین در ایران مترو بسازد. همچنین ایران اولین کشوری بود که پذیرفت چین تانکرهای بزرگ نفتکش ۳۰۰هزار تنی بسازد و چهار تانکر به چین سفارش داد و پس از آن بود که هم اینک کارخانه‌های کشتی‌سازی چین تا ۱۰ سال آینده رزرو شده‌اند.

■ با این تفاسیر ارزیابی شما از رابطه اقتصادی ایران و چین چیست؟

چینی‌ها سعی کردند ایران را به یک مشتری خوب تبدیل کنند و نه یک شریک اقتصادی خوب. آنچه امروز دولت باید برای آن تلاش مضاعف داشته باشد، شناخت چین و کار با این کشور است. آوردن چین از مرحله تجاری به شرکات اقتصادی برای ایران بسیار مهم است. این مساله برای امنیت ملی ایران نیز مثبت است. چراکه اگر کشوری در یک کشور دیگر سرمایه‌گذاری کند، برای حفظ سرمایه‌اش و ثبات و حفظ منافع کشور محل سرمایه‌گذاری نیز، خواهد کوشید. ولی متأسفانه این اتفاق بین ایران و چین تاکنون رخ نداده است. روابط راهبردی و پیمان‌ها قابل اتکا نیستند و باید با شرکات اقتصادی و فعال کردن بخش خصوصی در چین و حضور شرکت‌های فراوان این پیوندها را تبدیل به یک پیوند قابل اتکا کنیم.

■ سیاست‌گردش به شرق را چگونه می‌بینید؟

نگاه به شرق به سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. به این معنا که وقتی ایران با آمریکا دچار مشکل شد و با پیروزی انقلاب مستشاران خارجی ایران را ترک کردند و ما برای تأمین منابع نیازهای خود از جمله بازار و تولید و واردات دچار مشکل شدیم، در مورد فروش نفت نگاه به شرق به عنوان یک استراتژی درست انتخاب شد. در زمان نخست‌وزیری مهندس موسوی به‌ویژه پس از استقرار دولت سازندگی، رفت و آمدها در زمینه‌های مختلف آسیا و کشورهای شرقی و روسیه و اروپای شرقی شروع شد. ممکن است پس از سال ۸۴ که بعد که ما از نظر ادبیات ارتباط با دنیا دچار توجع شدیم و مشکلات افزایش یافت، بروز نگاه به شرق و این روند با آمدها در آذهان بیشتر شده باشد، اما واقعیت اقتصادی همان واقعیت گذشته است.

■ ولی وقتی در حوزه‌های نفتی شرکت‌های بزرگ اروپایی، مثل لویل استات، شل، توتال و... از ایران رفتند، چینی‌ها وارد میدان شدند...

این مسایل مربوط به بعد از ماجرای تحریم‌هاست. هر چند چینی‌ها تنها به صورت پروژه‌ای و نه عمیق وارد صنایع نفت ایران شدند.

■ برخی از فعالیت‌های اقتصادی گسترده چین در «آفریقا» به نام استعمار آرام زردها علیه سیاهان یاد می‌کنند. نظر شما در این زمینه چیست؟

فعالیت چینی‌ها در ماورای بحر و خارج از مرزها امروزه یکی از اولویت‌های سیاست خارجی چین است. چینی‌ها معتقدند کشور اشباع شده است و باید سرمایه‌ها را به خارج از کشور روانه کرد. بنابراین شرکت‌های چین را به سرمایه‌گذاری خارجی تشویق می‌کنند. این سرمایه‌گذاری که برای آنها آورده اقتصادی دارد، اگر آورده فرهنگی سیاسی هم داشته باشد بسیار مطلوب خواهد بود. سرمایه‌های چینی، و پاسیفیک و آتلانتیک جایی برای سرمایه‌گذاری ندارند، بنابراین باید به دو منطقه آفریقا و آمریکای جنوبی هدایت شوند. بنابراین خط کلی چینی‌ها توسعه فعالیت اقتصادی و شرکت‌های تجاری به سمت آفریقا و آمریکای جنوبی است. به‌ویژه کشورهایی که دارای معادن کانی غنی و معادن فسیلی نفتی هستند در این مناطق چینی‌ها عمق حرکت خط‌شان را می‌شناسند.

چینی‌ها معتقدند باید به مناطقی وارد شوند که از نظر تکنولوژیکی و بازار در حدی باشد که رقابت تنگاتنگ با سایر کشورها وجود نداشته باشد بلکه هر آنچه به بازار می‌برند مشتری داشته باشند. آفریقا این ویژگی‌ها را دارد، و مساله بعدی اینکه چینی‌ها دوست دارند به کشورهایی وارد شوند که نیاز به سرمایه‌گذاری برای حفظ امنیت و ثبات خود دارند و کشورهای آفریقایی این نیاز را دارند. همچنین آفریقا از سوی غرب در تاریکی و غفلت به سر می‌برده چراکه غربی‌ها به اندازه کافی به نقاط دیگر جهان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و درگیر هستند. چینی‌ها ترجیح می‌دهند به مناطق آرامی و بروند و بوری را زیر خاک قرار دهند تا وقتی که نهال آن رشد و نمو کند و کسی نتواند با آن به مقابله برخیزد. و مساله آخر اینکه منافع در نهایت منافع آفریقایی‌ها خواهد بود و بنابراین از آن دفاع خواهند کرد. چینی‌ها معتقدند که آفریقایی‌ها، نیروی کار ارزانی هستند که سرمایه‌های چینی‌ها می‌تواند درگیر هستند. چینی‌ها کار ارزان را از دهان به بازو تبدیل کند. چینی‌ها می‌خواهند آفریقا تبدیل به جمعیت دوم و اقلیت اول شوند و قدرت سیاسی خود را در آفریقا تقویت کنند.

■ اختلافات ارضی اخیر بین چین و ژاپن را بر سر جزایر غیرمسکونی چگونه می‌بینید؟ روزنامه رسمی حزب کمونیست، آمریکا را در زمینه مقصر شناخته بود و تیترو این‌طور نوشته خطاب به آمریکا: «ای‌ها باید بود «خفه شو!» نقش آمریکا را در اختلافات ارضی چین چگونه می‌بینید و اصولاً آیا این اختلافات منجر به اصطحاکک میان چین و ژاپن خواهد شد؟

بیشتر چینی‌ها با ۱۰ همسایه خود اختلافات مرزی داشته‌اند. از جمله با روس‌ها بر سر منچوری و با هندی‌ها و کره و بسیاری از کشورهای همسایه. اما طی سال‌های گذشته، چینی‌ها تلاش کردند، مشکلات را رفع و رجوع کنند و بسیاری از اختلافات مرزی و ارضی خودشان را یا حل کردند یا رسیدگی به آن را به تعویق انداختند که بتوانند صرفه‌جویی دفاعی و امنیتی در مرزها داشته باشند به این ترتیب تعداد زیادی از سربازان خود را آزاد کردند و آراضی به ارش دادند. تصمیم دوم این بود که اختلافات سیاسی با کشورهای را سر جای خود بگذارند و به حداقل برسانند و در چارچوب تنش‌زدایی و تسنح‌زدایی به سمت توسعه روابط اقتصادی پیش بروند. یعنی اختلافات‌شان را زاپنی‌ها را که حتی سر منچوری هم وجود دارد، با اغماض رد کردند و اختلافات ارضی را در دریا و امسکیت به حداقل رساندند. جمعیت‌های چینی‌ها به این است که اولویت روابط خارجی همسایگان هستند. بنابراین استراتژی چین، داشتن حداقل تنش مرزی و ارضی با همسایگان است. مشروط بر اینکه آنها به مقوله تایوان و مساله امنیتی تایوان وارد نشوند. به محض رسیدن هر کشوری به این نقطه، چینی‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند. چین امروز از نظر راهبردی می‌داند که آمریکا‌ها به شکل مدرن ولی نظامی چین را محاصره کرده‌اند. با توجه به جغرافیای چین می‌توان پایگاه‌های آمریکا را اطراف چین دید. سیستم‌های دفاع موشکی نیز در کشورهای شرق آسیا، تایوان، آسیای میانه، هند، تنگه مالاکا در جنوب مالزی، همه این نقاط تحت نفوذ آمریکایی‌هاست. بنابراین چین احساس می‌کند که به شکل استراتژیک از نظر نظامی در حلقه نعل اسبی آمریکا قرار دارد و همزمان که احساس خطر کند، نسبت به این مساله واکنش نشان می‌دهد. از جمله مسایل جزایر اخیر و اختلافات مرزی بین ژاپن و چین، هر چند جزایر مورد اختلاف خالی از سکنه هستند اما محلی برای ماهیگیری است و از نظر مسایل نظامی هم حایز اهمیت هستند. چینی‌ها معتقدند که ژاپنی‌ها به تحریک آمریکا کاروان این اختلاف را پیش برده‌اند. اما اگر تصور شود که ماجرای جزایر تبدیل به یک درگیری درازمدت خواهد شد، این اشتباه است و چینی‌ها وارد این بازی نمی‌شوند. جهان، سیاست نرمش، صبر و انتظار و قدم‌های کوتاه ولی پرامنیتان چین را همچنان در سال‌های آینده هم شاهد خواهد بود. انتظار یک جنگ در آن منطقه حتی سرر کشمالی هم، انتظار علاقه‌ای نیست. چینی‌ها مسایل خود را بر سر میز مذاکره و با درایت حل و فصل می‌کنند.

علیه سرمایه‌داری

نوشیروان کیهانی‌زاده

■ نهم سپتامبر سالروز درگذشت ملو تسه‌توگ (دونگ) رهبر انقلاب سوسیالیستی چین بود که در ۸۲سالگی به سال ۱۹۷۶ فوت شد. ملو برخلاف متفکران و سیاستمداران دیگر عادت به ایراد نطق طولانی (توریک) نداشت و چون استعداد شعر گفتن داشت عقاید و اندرزهای خود را به صورت شعارهای یک جمله‌ای و حداکثر در یک بند (پاراگراف) و گاهی هم به نظم بیان می‌کرد. او می‌گفت قبیله‌ای ماندنی خواهد بود که بتواند روشنفکران جامعه (دست‌کم به بررسی و بحث درباره خود جلب کند، به غور نظامیان صدمه نزند، امید کارگران و کشاورزان (زحمتکشان) را به آغاز کار دشمنی شدید سیاستمداران را برانیزد. در زمینه مبارزه، ملو در سال ۱۹۱۱ تا ۱۱ نفر دیگر حزب کمونیست چین را در شانگهای بنانهاد. ملو جنگ‌های مردمی (چریکی) را یکی از راههای مبارزه می‌دانست آ مبارزه مسلحانه، وی جنبشی را پیروزمند ادر مسیر پیروزی می‌دانست که در سر راه خود از همکاری جنبش‌های موازی که هدفهای دست‌کم تا ۱۰ درصد مشابه داشته باشند برخوردار شود. ملو با این تفکر، در آغاز کار با حزب ملی گرای «کومین تانگ» که «به ایدئولوژی خود را برپایه اصول سه‌گانه دکتر سون‌یات‌سن قرار داده است، همکاری کرد زیرا که استقلال، حاکمیت چین و طرف‌دور قدرت‌های وقت از اهداف مشترک هر دو بود. ملو که در سال ۱۹۱۸ کاپیتان دانشگاه پکن بود و فرصت مطالعه اقتصاد سوسیالیست‌های بنام آرنو به‌ویژه کارل‌مارکس را به دست آورده بود، عقیده داشت که فرد باید مایه و استعداد گرویدن به یک مسلک را داشته باشد تا بتوان انگارش را شکل داد و تقویت کرد و گرنه نمی‌توان در عمل - از یک فرصت‌طلب که با هدف بهره‌برداری، خود را به یک فرصت‌طلب و مکتب حاکم و قدرتمدار می‌چسباند - انتظار وفاداری داشت. وی در دهه‌های آخر عمر، انقلاب فرهنگی را -برای زوددن آثار معتقدات دیگر از ذهن کسانی که ایمان استوار به مبای سوسیالیسم نداشتند و نیز فرصت‌طلبان و فرصت‌طلبان و رنگ‌هایی که با نریدان حزب به قدرت دست یافته بودند - به وجود آورد. یکی از شعارهای ملو ضدیت با دیکتاتوری توتانگران و حکومت طبقه ثروتمند و بورژوا و سراسر تقابل و نیزنگ بود و تأکید داشت که حکومت نباید به صورت ابزاری برای تأمین منافع طبقه خاص درآید. در مورد شرایط نماینده مردم بودن در مجالس شوراهای ملو می‌گفت: نماینده کسی باید باشد که به مردم و تأمین منافع و حقوق طبیعی آنان مومن باشد و برای رسیدن به آن دمی از کوشش برانیزدست و خدمت به مردم در خون او باشد و همه چیز را تنها برای جامعه خواهد نه خودش و مزد و لذت خود را شادی و رفاه مردم بداند و هیچ‌گاه از آنان جدا نباشد، وفادار به اصل عمومی بودن منابع تولید و ثروت باشد تا افراد به صورت عادلانه از منافع نظام سوسیالیستی که ما در چین برقرار کرده‌ایم برخوردار شوند. ملو برخلاف ماکیاولیسم معتقد به نفوذ اختلافات سیاسی و ثروتمند و ماکیاولیسی بود. ملو معتقد به همیشه فعالیت بودن شعارهای انقلاب بود تا انحراف روی ندهد و می‌گفت که اگر چراغ انقلاب خاموش شود، دیری نخواهد پایید که همه دستاوردها بر باد خواهد رفت و اوضاع به حالت سابق بازخواهد گشت و زحمتکشان هر آنچه را به دست آورده‌اند - جز زحمت - از دست خواهند داد. در زمینه وضع قانون، ملو می‌گفت که قانون موضوعه باید حتی‌الامکان به قانون طبیعی نزدیک باشد و اصول سوسیالیسم را نقض نکند. او با کبی کردن قانون از جوامع دیگر مخالف بود و می‌گفت که هر جامعه شرایط و فرهنگ خاص خود را دارد. وی برخلاف مارکس، لنین و تروتسکی ناسوسیالیسم را رد نکرد و سوسیالیسم خود را قالم ناسوسیالیسم قرار داد و از آن سوسیالیسم چینی را به وجود آورد. او به کرات از این مستعبدانه، غارت‌شده استعمارشده و طاغون‌زده سخن به میان می‌آورد. ملو همیشه می‌گفت که ملل تحت ستم و استعمارزده راهی جز قیام ندارند، ولی تأکید می‌کرد که این قیام را باید خودشان آغاز کنند و استعداد و تمایل به این کار را داشته باشند، نه به خواست و طبق برنامه دولت‌های دیگر که هدفی جز تأمین منافع خود ندارند. ملو - متحد قدیمی مسکو - با مشاهده کارها و حرکات و شنیدن سخنان خروش‌فغ، گفت که این، آغاز پایان کار سوسیالیسم شوروی است و از همین زمان بود که سران کرملین را تجدیدنظرطلب می‌خواند.

ملو معتقد به تماس مستقیم رئیس حکومت با مردم بود و نامه‌های مردم را شخصاً می‌خواند و زندگانی ساده، نه

بهتر از سایر مردم داشت. ملو تأکید زیاد به خواندن ناله و

اشکایات، اطلاع از اعتراض‌ها و انتقادها و بررسی پیشنهادها

داشت که گفته شده است اقتباس از لنین بود. به دستور

ملو در میدان‌های شهرهای چین تابلوهای بزرگ نصب

کرده بودند تا هرکس شکایاتی دارد، برود و بنویسد و ساعت

به ساعت، مأموران بروند و رونوشت بردارند و به اطلاع او

برسانند تا حل مساله کند.

آگهی فراخوان عمومی

مناقضه گزاره: شرکت فولاد مبارکه
عوضات مناقضه: خرید دو دستگاه مینی لودر طبق مشخصات فنی پیوست مجهز به بیل مکانیکی، پیکور و بک هوس به همراه قطعات یدکی دوساله موضوع درخواست شماره: ۲۸۲۲۹۲۰۹

شرکت فولاد مبارکه اصفهان در نظر دارد خرید دو دستگاه مینی لودر طبق مشخصات فنی پیوست مجهز به بیل مکانیکی، پیکور و بک هوس به همراه قطعات یدکی دو سالانه موضوع درخواست شماره: ۲۸۲۲۹۲۰۹ را از طریق مناقضه عمومی خرید نماید. لذا از کلیه مناقضاتی که تمایل به شرکت در این مناقضه را دارند درخواست می‌گردد مراتب آمادگی خود را همراه با تکمیل فرم ارزیابی کتبی (ارسال مستندات در خصوص بندهای فرم ارزیابی کتبی الزامی است) و تکمیل فرم خوداظهاری را از سایت اینترنتی www.mobarakhe-steel.ir در لیست مربوط به مناقضه، و مزایده دریافت و فرم مربوطه را پس از تکمیل به‌همراه مدارک ثبتی شرکت، سابق کاری، تجهیزات و امکانات موجود خود حداکثر تا ۲۰ ریز از تاریخ درج این آگهی کتبا به شماره فاکس ۰۲۱۱۶۰۲۲۱۹۸۶۴ و یا به آدرس اصفهان ۷۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان شرکت فولاد مبارکه، امور خرید ماشین آلات و قطعات یدکی ارسال نمایند، و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۸۰۷۰۳۳۵۴۲ تماس حاصل فرمایند.

ضمناً این آگهی در سایتهای ذیل درج گردیده است:
- مرکز اطلاعات مناقضات و مزایدات ایران به نشانی اینترنتی: www.ariatender.com
- شرکت فولادمبارکه اصفهان به نشانی اینترنتی: www.mobarakhe-steel.ir

روابط عمومی شرکت فولاد مبارک اصفهان

کد: ۹۱۱۲۰

قابل توجه کلیه دانش آموختگان دانشگاه علوم پزشکی تهران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

پزشکی و خدمات تهران

معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران با کمال افتخار آغاز به فعالیت سامانه ارتباط مجازی با دانش آموختگان این دانشگاه را اعلام می دارد. کلیه دانش آموختگان گرامی این دانشگاه (و هم چنین دانش آموختگان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران سابق) از این پس می توانند با مراجعه به این سامانه از طریق آدرس اینترنتی www.eg.tums.ac.ir نسبت به طی مراحل ثبت نام و انجام امور مورد نیاز در ارتباط با صدور گواهینامه های آموزشی خود اقدام نموده و مدارک مورد نیاز را از طریق دفاتر پست محل سکونت خود دریافت نمایند.

م/الف/۴۵۱۰